

سنت‌های الهی اجتماعی در صحیفه سجادیّه

محمد مهدی حاجیلویی محب^۱، اکرم خاوری^۲
تهمینه فرزانه^۳، مژگان احمدی^۴

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2025.28339.1025

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷



چکیده

واضح است که یکی از موضوعات پر بسامد در آموزه‌های دینی، مسأله سنت‌های الهی معطوف به اجتماع بوده که پرداختن به آن‌ها، راهبردی در راستای آگاه‌سازی انسان‌ها به جهان پیرامون خود می‌باشد. رهیافت به این سنت‌ها، با مراجعه به متون دینی و از جمله صحیفه سجادیه میسر می‌گردد. کاوش انجام شده، با روش توصیفی تحلیلی و با هدف فهم سنن الهی در این کتاب شریف سامان یافته است. بدین روی، متون مرتبط مورد بررسی قرار گرفته و ضمن درنگی کوتاه بر معنای لغوی و اصطلاحی، چهار شاخصه «عمومیت - حتمیت - هماهنگی با قانون علیّت - تغییر و تحوّل ناپذیری» سنت‌ها استخراج گردید. در گونه سنت‌های اجتماعی مطلق و عام، شش نوع قابل طرح است: «ابتلاء و آزمایش - هدایت - برانگیزاندن پیامبران - فرستادن کتاب‌های آسمانی - اتمام حجت - بازتاب اعمال». سنت‌های اجتماعی مقید و مشروط، نیز سه نوع بوده: «استیصال - امهال - استدراج و املاء». بررسی‌ها نشان داد که سنت‌های الهی در هر دو ساحت فردی و اجتماعی و نیز، گونه‌های مطلق و مقید، در صحیفه سجادیه وجود داشته و با زبان دعا به صورتی گسترده و به همراه زمینه‌ها، فرایندها و روش‌ها بیان گردیده‌اند. استخراج و عرضه نه گونه از سنت‌های الهی اجتماعی در صحیفه سجادیه، از نوآوری‌های پژوهش حاضر تلقی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: صحیفه سجادیه، سنت‌های الهی اجتماعی، سنت‌های مطلق، سنت‌های مقید.

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول) hajilouei@basu.ac.ir

۲- دانش‌آموخته سطح سه و پژوهشگر مرکز پژوهشی حوزه علمیه خواهران همدان whchamedan1364@gmail.com

۳- دانش‌آموخته سطح سه و پژوهشگر مرکز پژوهشی حوزه علمیه خواهران همدان whchamedan1364@gmail.com

۴- دانش‌آموخته سطح چهار و پژوهشگر مرکز پژوهشی حوزه علمیه خواهران همدان mo.ahmadi@whc.ir

۱. مقدمه

پس از پی‌ریزی عالم هستی، ایجاد نظم و ساختارمند کردن روابط انسان‌ها و موجودات، نیازمند قوانین ثابتی است. این قوانین و سنت‌های پایدار، توسط خداوند حکیم در نظام تکوین مقرر گردیده و بر این پایه، امور عالم اداره می‌گردد. شناخت سنت‌ها و آگاهی از اصول الهی حاکم بر تاریخ و ملت‌های پیشین، می‌تواند آدمی را به راه سعادت و خوش‌بختی رهنمون گردد. کاوش پیرامون سنت‌های الهی و عبرت‌گیری از این قوانین قطعی و تغییر ناپذیر، سبب روشن شدن مسیر آینده برای همگان خواهد شد. مطالعه سنت‌های الهی، ساحت‌های پنهانی را از دلایل سعادت یا نگون‌بختی اقوام و ملل پیشین، ستم و گناه کافران و فروآمدن عذاب و نعمت بر آنان روشن می‌نماید.

۱-۱. بیان مسأله

سنت‌های الهی در ساحت فردی و اجتماعی قابل پی‌جویی بوده و هر یک، در دو قالب مطلق و مقید مورد بررسی قرار می‌گیرند. بررسی آموزه‌های دینی، قرآنی و روایی یکی از برترین راه‌ها، برای پی‌جویی سنت‌های الهی است. معصومین^(علیهم السلام) با توجه به شرایط زمان خویش، از راه‌های گوناگونی برای تبیین معارف و سنن الهی بهره برده‌اند؛ چنان‌که روایات مأثور در کتب معتبر، گویا و مؤید چنین موضوعی است. در این میان، کتاب گران‌سنگ صحیفه‌ی سجادیه، بیان‌گر آموزه‌های اسلامی و نشر دهنده معارف عمیق الهی بوده و در قالب دعا، به بیان ظریف‌ترین نکات در زمینه سنت‌ها و قوانین الهی و هستی پرداخته است. فهم این نکته ضروری است که پردازش معارف ناب در ساختار دعا، توسط امام سجاد^(علیه السلام)، روشی سترگ و متناسب با فضای سیاسی و اجتماعی عصر ایشان بوده؛ بدین روی، نگاهی فراتر از خوانش دعا، به این کتاب ضروری است. پژوهش حاضر در نظر دارد ضمن بررسی واژگان مرتبط و با هدف بررسی سنت‌های الهی در صحیفه سجادیه؛ با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، به بازکاوی شاخه اجتماعی سنت‌های الهی در صحیفه سجادیه پرداخته و به پرسش‌های زیر، پاسخی شایان دهد:

۱. سنت‌های الهی، چه معنا و شاخصه‌هایی دارند؟
۲. چه گونه‌هایی برای «سنت‌های مطلق و عام الهی اجتماعی» در صحیفه سجادیه بیان شده است؟
۳. انواع «سنت‌های مقید و مشروط اجتماعی» در صحیفه سجادیه، چگونه به تصویر کشیده شده است؟



این کاوش، ضمن بازخوانی صحیفه سجادیه و محوربایی سنت‌های الهی اجتماعی در آن؛ شش گونه سنت مطلق و عام، شامل، سنت‌های: «ابتلاء و آزمایش - هدایت - برانگیزاندن پیامبران - فرستادن کتاب‌های آسمانی - اتمام حجّت - بازتاب اعمال» و نیز سه سنت مقید، شامل: «استیصال - امهال - استدراج و املاء» را بررسی می‌کند. متن گفتمانی صحیفه سجادیه، از نظر مفهومی، ظرفیت و اثربخشی، به عنوان یک راهبرد، در تبیین سنت‌های اجتماعی به کار می‌رود.

۱-۲. پیشینه پژوهش

آثار فراوانی پیرامون سنت‌های الهی، خارج از صحیفه سجادیه به نگارش درآمده؛ اما کاوشی کامل و منطبق بر روش و محتوای پژوهش حاضر، یافت نگردید. کتاب‌های مرتبط با موضوع چنین است: مرادخانی تهرانی (۱۴۰۳) در کتاب «سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن» به برخی از تدابیر و قوانین الهی حاکم بر جامعه و سنت‌های حاکم بر هستی و سرنوشت انسان‌ها پرداخته است. کتاب «قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر» از محمدی گیلانی (۱۳۸۵)، موضوعاتی مانند سعادت و شقاوت جامعه، سنت استدراج، سنت استخفاف و فتنه و ایمان تبیین کرده است. صفایی (۱۴۰۲) در کتاب «اجتماع بشری در بستر سنت‌های الهی» به مسائل اجتماعی با نگرشی مبتنی بر سنت‌های الهی نگریسته است. کتابی با عنوان «سنت‌های الهی اجتماعی و پیشرفت» از ترخان (۱۴۰۳) بیان می‌دارد که با بهره‌گیری از اسباب مادی میتوان سطح رفاه را بالا برد و به پیشرفت دست یافت؛ هرچند به منظور دستیابی به مانایی و پیشرفت همه جانبه، نیازمند تلفیق اسباب مادی و معنوی هستیم. ممکن است برخورداری از امکانات مادی برخی جوامع غیردینی، بر اساس سنت امهال و استدراج باشد. همین نویسنده (۱۳۹۷) در مقاله «تأملی در قوانین فرامادی پیشرفت بر اساس سنت‌های اجتماعی الهی» قوانین اجتماعی مطرح‌شده در متون دینی را واکاوی کرده و بیان می‌دارد که به لحاظ عامل تأثیر، افزون بر عوامل مادی، عوامل چهارگانه معنوی در حصول نتیجه دخیل‌اند. این عوامل چهارگانه عبارت‌اند از عوامل غیرانسانی و عوامل انسانی که قسم اخیر خود به پیشی، منشی و کنشی تقسیم می‌شود. مقاله «واکاوی واژه رضا در صحیفه سجادیه»، نوشته باغبانان و احمدی‌فراز (۱۳۹۸)، به تحلیل و بررسی واژه‌های رضا در دعاهای صحیفه سجادیه پرداخته و به سنت‌های الهی مرتبط با تسلیم و رضا اشاره داشته است. پژوهشگران بیان داشته‌اند که امام سجاد(علیه السلام) در صحیفه سجادیه ۷۹ بار به «رضا» اشاره نموده‌اند؛ با این وجود بررسی آن در صحیفه مورد توجه محققان قرار نگرفته است. ازاینرو در این تحقیق با مراجعه به متن صحیفه سجادیه، مفهوم رضا تبیین و راه‌های

تحصیل آن و کارکردهای آن در نگاه امام سجاد با روش توصیفی - تحلیلی، واکاوی شده است. مقاله «آثار تربیتی گرفتاری‌های زندگی از نگاه امام سجاد (علیه السلام)، با تأکید بر دعا‌های صحیفه»، نوشته هادی عجمی (۱۴۰۰) به بررسی تأثیرات مثبت و تربیتی گرفتاری‌ها و مشکلات زندگی بر انسان پرداخته و به بخشی از سنت‌ها اشاره کرده است. پژوهش بیان می‌دارد که امام سجادیه ع در کتاب شریف صحیفه سجادیه، با تصویری معناشناختی از گرفتاری‌ها، در نگاهی جامع آثار گرفتاری‌های دنیوی را در سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری، ترسیم می‌کند. در بعد بینشی، مشکلات و گرفتاری‌ها، نگاه توحیدی او را ایجاد و تقویت می‌کند. در بعد گرایش‌ها و عواطف، گرایش او را از دل بستن به دست‌یاری دیگران کم می‌کند. در بعد رفتاری، او را در مسیر رشد حرکت می‌دهد. شهبازی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه «سنت‌های الهی (فردی و اجتماعی) در آیین صحیفه سجادیه»، ضمن تبیین معنا و ابعاد سنت‌های الهی بیان داشته است که «دعا در سیره معصومین (علیهم السلام) نه فقط یک عرض حاجت عبد به درگاه ربوبی؛ بلکه خود، به عنوان یک شیوه مستقل تبلیغی و انتقال معارف و حیانی به مخاطبین بوده است. همچنین -علاوه بر جمع آوری مستندات قرآنی و روایی سنت‌های الهی و دسته‌بندی سنت‌های ذکر شده در صحیفه بر اساس تقسیم قرآنی- از مهمترین یافته‌های این پژوهش این است که امام زین العابدین (علیه السلام) در فرازهای متعددی از ادعیه خود، بارها و بارها به سنن الهی -اعم از سنت‌های مطلق، سنت‌های خاصه مومنین و سنت‌های خاصه کافرین- تصریح کرده و مفهوم آن را به طور کامل به مخاطبان خود منتقل نموده‌اند.

نکته مهم این است که بیشتر کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های پیش‌گفته و با عنوان سنت‌های الهی در صحیفه سجادیه، به چنین موضوعاتی پرداخته‌اند: «سنت‌های مقبول الهی برای سبک زندگی»، «تأثیرات دعاها در زندگی روزمره و رفتارهای اجتماعی»، «تحلیل واژه‌های خاص، مانند رضا و تسلیم»، «تأثیرات مثبت تربیتی گرفتاری‌ها و مشکلات» و «نقش دعاها در تقویت همبستگی». همان‌گونه که پیداست، این موضوع تفاوت جدی با روش و محتوای مقاله حاضر و نوع نگاه به «سنت الهی»، به مثابه «قوانین ثابت» دارد. زیرا سنت الهی در پژوهش پیش‌رو، به معنای «روش‌هایی است که خدای متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۴۲۵). این در حالی است که پژوهش‌های موجود، از این زوایه به موضوع ننگریسته‌اند. بدین روی، استخراج و عرضه نه گونه از سنت‌های الهی اجتماعی در صحیفه سجادیه به عنوان قوانین و روش‌های بنیادین الهی برای زندگی اجتماعی، از نوآوری‌های پژوهش حاضر تلقی می‌گردد.



نکته مهم این است که بیشتر کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های پیش‌گفته و با عنوان سنت‌های الهی در صحیفه سجادیّه، بیشتر به روش‌های موردپسند الهی برای زندگی روزمره و ارتباطات اجتماعی پرداخته‌اند. پیداست که این موضوع، تفاوتی جدی با محتوای مقاله حاضر و نگاه به «سنت الهی» در فرآیند موجود دارد. زیرا سنت الهی در مقاله حاضر به معنای «روش‌هایی است که خدای متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند» (همان).

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

دعاهای معتبر، از مهم‌ترین منابع آموزه‌های دینی بوده که عالی‌ترین آموزه‌ها را با زبان دعا بیان کرده‌اند. بدین روی، متون دعایی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ چرا که ایشان، مبین دستورات و احکام الهی بوده که با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر زمان خویش، با روش‌های گوناگونی، معارف اسلامی را به مردم انتقال می‌دادند. این روش‌ها، گاهی با بیان خطبه و برگزاری کرسی علمی نمود می‌یافته و گاه، با تشکیل جلسات تفسیر قرآن و تربیت شاگرد همراه می‌گردیده است. در این بین، دعاها و مناجات‌های معصومین (علیهم‌السلام) از مهم‌ترین راه‌های انتقال معارف، مفاهیم و آموزه‌های دینی بوده است. تبلور ویژه این موضوع، در عصر امام سجاد (علیه‌السلام) و پیدایش صحیفه سجادیه است. به دلیل عمق مطالب این کتاب، بازخوانی آن، از نگاهی فراتر از خوانش دعا، ضروری بوده که پژوهش حاضر، عهده‌دار این موضوع در عرصه سنت‌های الهی است.

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. معنانشناسی «سنت‌های الهی»

ابن‌منظور، جواهری و طریحی سنت را از آن جهت که صاف و صیقلی است، به معنای صورت دانسته و به راه و روش نیز معنا کرده‌اند: «الأصل فِيهِ الطَّرِيقَةُ وَ السَّيْرَةُ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۵/۱۳؛ جواهری، ۱۴۰۷: ۲۱۳۸/۵؛ طریحی، ۱۴۰۳: ۲۶۸/۶). راه و روش برگزیده شده توسط فرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۵) عادت، طریقه معمول و رایج و قانون، سنت نامیده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). علامه طباطبایی با دیدگاه طبرسی هم‌نظر بوده و می‌فرماید: «سنت به معنای سیره و روش است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۵/۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۳۹/۴). دال مرکزی و وجه مشترک این تعاریف، «راه و روش و طریقه عادی و معمولی» می‌باشد. پیرامون تعریف اصطلاحی سنت، گفته شده: «روش‌هایی را که

خدای متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند، سنت الهی نام دارند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۴۲۵). چنان‌که سنت را، مجموعه قوانین تکوینی و تشریعی دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۳۵/۱۷).

۲-۲. شاخصه‌های «سنت‌های الهی»

۲-۲-۱. عمومیت

عمومیت در سه ساحت زمانی، مکانی و افرادی مورد توجه بوده و خداوند متعال می‌فرماید: «سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ این سنت خدا است که در همه ادوار امم گذشته برقرار بوده (که منافق و بدان که سنت خدا هرگز مبدل نخواهد گشت)» (احزاب/۶۲). پیرامون آیه پیش-گفته آمده است که چون اشتباه و خطا در افعال الهی نبوده و تمام، موافق با حکمت و عین صلاح است، بدین روی، تغییرپذیر نیست. بلی، اگر مصلحت تغییر کند، خداوند هم تغییر می‌دهد (طیب، ۱۳۸۷: ۵۳۰/۱۰). چنان‌که آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱).

۲-۲-۲. حتمیت

اگر اراده الهی بر سنتی قرار گیرد، وقوع آن حتمی است. چنان‌که در قرآن بیان گردیده: «لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِرُونَ؛ برای هر امتی اجلی است؛ پس چون اجلشان فرا رسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش» (اعراف/۳۴).

۲-۲-۳. هماهنگی با قانون علیت

بر این پایه که سنت‌های الهی بر مبنای قانون علیت استوار است، هیچ‌گونه تغییر و تحوّل نخواهند داشت. امیرمومنان (علیه‌السلام) می‌فرماید: «كُلُّ مَعْرُوفٍ بِنَفْسِهِ مَصْنُوعٌ وَكُلُّ قَائِمٍ فِي سِوَاهُ مَعْلُولٌ؛ هر چه که ذاتش شناخته شده باشد، آفریده شده است و هر چه قیامش به دیگری بود، معلول است» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۲۸/۴؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۳۵). چنان‌که از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا؛ خدای سبحان برای هر چیزی سببی قرار داده و سنتش بر این است که اشیاء و افعال را بر اساس اسباب خود و بر محور نظم و قانون علت و معلول صورت دهد (صفار، ۱۴۰۴: ۳۳۵). برخی اندیش‌مندان معاصر نیز، سنت الهی را مترادف نظام علّی و معلولی دانسته‌اند (مطهری، ۱۴۲۸: ۱۲۵/۱).



۲-۲-۴. تغییر و تحوّل ناپذیری

در سنت الهی هیچ گونه تغییر و تحوّل یافت نمی‌شود. در قرآن کریم آمده: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ پس هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت» (فاطر/۴۳). در همین زمینه باید بیان داشت که «نوسان و دگرگونی سنت‌ها، درباره کسی تصوّر می‌شود که آگاهی محدودی دارد. ولی پروردگاری که عالم و حکیم و عادل است، سنتش درباره آیندگان همان است که درباره پیشینیان بوده است. سنت‌هایش ثابت و تغییر ناپذیر است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۴۳۸/۱۷).

۲-۳. سنت‌های الهی اجتماعی در صحیفه سجادیه

پیش‌تر بیان شد که سنت‌های الهی در ساحت فردی و اجتماعی قابل پی‌جویی بوده و هر یک، در دو قالب مطلق و مقید مورد بررسی قرار می‌گیرند. سنت‌های اجتماعی نیز، به دو دسته کلی «سنت‌های مطلق و عام» و «سنت‌های مقید و مشروط» تقسیم می‌شوند.

۲-۳-۱. سنت‌های مطلق و عام اجتماعی

هدف از خلقت انسان در آموزه‌های اسلامی، تقرب به خداوند بوده که با افعال اختیاری آدمی امکان‌پذیر می‌گردد. بر پایه حکمت الهی، خداوند دسته‌ای از سنن را به صورت مطلق قرار داده تا همه انسان‌ها بتوانند به وسیله آن‌ها، به قرب الهی برسند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: (ابتلاء و آزمایش - هدایت - ^۳برانگیزاندن پیامبران «ارسال رسل» - ^۴فرستادن کتاب‌های آسمانی «انزال کتب» - ^۵اتمام حجت - ^۶بازتاب اعمال)

۱-۲-۳. سنت ابتلاء و آزمایش

ابتلاء از «بَلا - یَبْلُو» به معنای خبرگرفتن بوده (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۳/۹) و علم یافتن به حقیقت چیزی را گویند (عسکری، ۱۴۲۶: ۱۰/۱). هم‌چنین به معنای نقل چیزی از وضع و حالی، به وضع و حال دیگر آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۲/۲۰).

سنت ابتلاء از عام‌ترین و مهم‌ترین سنت‌های اجتماعی بوده که قرآن کریم به آن اشاره کرده است: «لَتَبْلُوَنكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۵). بدین روی، همه انسان‌ها، اعم از انبیاء، مؤمنان و کافران به وسیله ابزارهای دنیوی، مانند مال، جان و فرزند امتحان می‌شوند. عمومیت این سنت، تا جایی است که امر، نهی و اتفاقی رخ نمی‌دهد،

مگر آن که ابتلائی در آن وجود داشته باشد. روایت هشام از امام صادق (علیه السلام) گواه این ادعا است که می فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ فِيهِ قَبْضٌ أَوْ بَسْطٌ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَوْ نَهَى عَنْهُ إِلَّا وَفِيهِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِبْتِلَاءٌ وَ قَضَاءٌ؛ هیچ بسط و قبضی نیست از آن چه خدا به آن امر و نهی کرده؛ مگر آن که در آن، ابتلاء و قضاء الهی باشد» (صدوق، ۱۳۹۸: ۵۹/۱).

امام سجاد (علیه السلام) در فرازهای بسیاری اشاره به این سنت الهی کرده. چنان که در دعای ۴۷ می فرماید: «عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ وَ بَلَّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ رَضِيتَ عَنْهُ، فَأَعِشْتَهُ حَمِيداً وَ تَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً» در این فراز، امام (علیه السلام) از آن چه اصناف بندگان و کنیزان مبتلا شده اند، عافیت و رستگاری می طلبد (قهپایی، ۱۳۷۴: بخش ۹/دعای ۴۷). یا در فرازی دیگر، هدف از امر و نهی الهی را ابتلاء مخلوقات می داند: «ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرِ طَاعَتَنَا وَ نَهَانَا لِيُبَيَّنَ شُكْرَنَا» (صحیفه سجاده/دعای ۱)؛ بدین معنا که خداوند امر به یک سری کارها و نهی از یک سری دیگر کرد، تا از این طریق، انسان ها را بیازماید (امامی و آشتیانی، ۱۳۷۳: ۲۵).

امام (علیه السلام) ابتلاء را فقط در ناخوشی ها ندانسته و با هشدار نسبت به «خطر غفلت از احسان خدا»، به سنت ابتلاء در خوشی ها اشاره می کند: «مرا از یاد خودت در آن چه به من عطا کرده ای، گرفتار فراموشی مکن و از احسانت در آن چه به من مرحمت کرده ای، غافل مساز و از اجابت دعایم، گرچه به تأخیر افتد، نومیدم مکن؛ چه در خوشی باشم یا ناخوشی، در سختی یا رفاه، در سلامتی یا بلاء، در شدت حاجت یا آغوش نعمت، در دارایی یا تنگدستی، در فقر یا توانگری» (صحیفه سجاده/دعای ۲۱: انصاریان، ۱۳۸۹: ۱۵۸). چنان که مهم ترین موارد امتحان، بدگمانی در دریافت رزق و روزی و آرزوی طولانی بیان شده است (صحیفه سجاده/دعای ۲۹). به این دلیل که این دو، از مهم ترین مسائل زندگی بشر و منشأ بسیاری از مشکلات و تلاش های انسان است (امامی و آشتیانی، ۱۳۷۳: ۲۴۵).

امام سجاد (علیه السلام) دستورات الهی را در راستای سنجش و آزمایش میزان فرمانبری انسان ها تحلیل می فرماید: «آن گاه دستوراتش را متوجه ما فرمود، تا فرمان بردن ما را بسنجد و از محرمات بر حذرمان داشت، تا شکرکردنمان را بیازماید» (صحیفه سجاده/دعای ۱). در واقع، تصمیم و کردار آدمیان در برابر واجبات و محرمات، واکنشی در برابر آزمایش الهی است «بِكُلِّ ذَلِكَ يُصْلِحُ سَأَتَهُمْ وَ يَبْلُو أَعْبَارَهُمْ» (همان/دعای ۶). چنان که عطای پیاپی نعمت ها را به انسان، در راستای آزمایش روحیه شکرگذاری برمی شمارد و بیان می دارد که «عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِّنْهُ الْمُتَّبَاعَةِ» (همان/دعای ۱).



دیگر از زمینه‌های آزمایش انسان‌ها، میزان همراهی آنان با رهبران الهی است. چنان‌که یاران پیامبر اسلام (صلی الله و علیه و آله) با شاخصه همراهی و پیروی از ایشان مورد امتحان قرار گرفته و به سرافرازی نائل آمدند: «الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَتَّبَعُوا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ وَكَانُوا» (همان/دعای ۴). در کنار موارد پیش گفته: دیگر از موارد آزمایش الهی، نوع مواجهه انسان با دیگران است؛ امام (علیه السلام) بیان می‌دارد «لَا تَقْتَتِي بِمَا أُعْطِيَهُمْ وَلَا تَقْتَتِي بِمَا مَنَعْتِي؛ مرا به آنچه به بندگانت عطا کردی امتحان مکن و ایشان را به آنچه از من منع کرده‌ای میازمای» (همان/دعای ۳۵).

۲-۱-۳-۲. سنت هدایت

دیگر از سنت‌های الهی در ساحت اجتماع، هدایت عامه الهی است. سنت هدایت، سرنوشت‌سازترین سنت الهی است؛ زیرا شیوه مواجهه انسان‌ها با آن، نقش به‌سزایی در آینده فرد و جامعه دارد. اگر بشر هدایت پذیرد، سنت‌های مؤمنین شامل حالش شده و جامعه به سوی مدینه فاضله می‌رود. اما اگر هدایت نشود، سنت‌های کافرین بر آنان جاری گشته و فساد و تاریکی در جامعه موج خواهد زد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۸۶/۲).

هدایت در لغت، به معنای ایستادن از حرکت، خوابیدن در شب (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۰/۱)، بی‌حرکت، بی‌سر و صدا بودن و آرامش آمده (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۹/۴) و در اصطلاح، به معنای راهنمایی و نشان دادن هدف به فرد است. این فرآیند از آن خدا بوده و شامل همه مخلوقات، به شکل عام می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۶/۵). قرآن کریم بیان می‌دارد: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵۰)؛ یعنی خداوند کسی است که همه را آفرید و بعد هدایت کرد. امام سجاد (علیه السلام) هدایت را از خداوند دانسته و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُتَهْتِدُونَ بِنُورٍ وَجْهِكَ» (صحیفه سجاده/دعای ۵). در این فراز، امام (علیه السلام) می‌فرماید که اگر کسی هدایت یافته، به نور وجه تو هدایت یافته؛ پس ما را هدایت کن (امامی و آشتیانی، ۱۳۷۳: ۳۵). لازم به یادآوری است که هدایت عام الهی، به وسیله دو سنت «ارسال و رسل» و «ارسال کتب» صورت می‌پذیرد.

سنت هدایت یکی از اصول بنیادین در صحیفه سجاده است که امام سجاد (علیه السلام) در دعا‌های خود به عمومیت این سنت پرداخته و می‌فرماید «آن‌گاه، همه آن‌ها را در مسیر خواسته خود راهی کرد» (صحیفه سجاده/دعای ۵). چنان‌که این موضوع، در زمینه شناخت الهی و روش شکرگذاری وجود دارد «همه ستایش‌ها مخصوص خداست که وجودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام کرد و درهای دانش را به پروردگاری‌اش به روی ما گشود و ما را بر اخلاص ورزی در یکتایی‌اش راهنمایی کرد و از

انحراف در دین و تردید در دستورش، دور داشت» (همان/دعای ۱). امام سجاد (علیه السلام) از خداوند درخواست می‌کند «اهْدِنَا إِلَيْكَ... مَنْ تَهْدِيهِ يَعْلَمُ؛ به سوی خود هدایت کن... هر که را تو هدایت فرمایی دانا می‌شود» (همان/دعای ۵). درخواست هدایت در زمینه دوری از باطل، نمونه دیگری است «خداایا! ما را به آنچه که از باطل در نظرمان بیاراید، آگاه ساز» (همان/دعای ۱۷).

ضمن درخواست‌های پیش گفته، از خدا درخواست می‌شود که انسان را به سوی خشنودی خویش راهنمایی فرماید «ما را به سوی آن کاری که تو را از ما خشنود می‌کند، رغبت ده» (همان/دعای ۹)؛ این هدایت، به سوی برترین کارها خواهد بود «اهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ به سالم‌ترین برنامه به کارم گمار» (همان/دعای ۱۵). روشن است که اصل هدایت و استواری بر این مسیر، با مدد الهی به سرانجام مطلوب خواهد رسید که همه آن، توفیقی از سوی خداست «فَأَيُّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ وَ سَدِّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ وَ أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ وَ لَا تَجْعَلْ لِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نَفْوَذًا فِي مَعْصِيَتِكَ؛ پس ما را به توفیق نیرو بخش و به هدایت استوار دار و دیده قلوبمان را از آنچه مخالف عشق توست کور کن و برای هیچ‌یک از اعضای ما راه نفوذی به سوی نافرمانی و گناه قرار مده» (همان/دعای ۹). با تمام زمینه‌ها و هدایت‌ها، گاه پیش می‌آید که انسان از هدایت الهی بهره لازم را نمی‌برد «إِلَهِي هَدَيْتَنِي فَلَهَوْتُ؛ خدای من! راهنمایی‌ام کردی، ولی به کارهای پوچ و بیهوده پرداختم» (همان/دعای ۴۹). سنت هدایت‌گری تا جایی پیش می‌رود و مهم به نظر می‌رسد که خدا انتظار توبه و هدایت انسان را می‌کشد «انْتَظِرْ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا؛ به مهربانی و بردباری‌اش، بازگشت ما را از مسیر گناه انتظار کشید» (همان/دعای ۱). چنین توبه‌ای، فقط با هدایت الهی میسر است «همه ستایش‌ها مخصوص خداست که ما را به بازگشت و توبه از گناه، راهنمایی کرد» (همان).

۳-۲-۱-۳. سنت برانگیزاندن پیامبران «ارسال رسل»

از دیگر سنت‌های الهی اجتماعی، فرستادن پیامبرانی به عنوان بشیر و نذیر بوده، چنان که قرآن به آن اشاره می‌کند: «این سنت [ما، در مورد] پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت» (احزاب/۷۷). هم‌چنین آمده است که خداوند در هر دوره و بین همه قبایل و امت‌ها، اندازکننده‌ای فرستاده: «ما تو را به حق برای بشارت و انذار فرستادیم و هر امتی در گذشته، اندازکننده‌ای داشته است» (فاطر/۲۴).



اطاعت از پیامبران الهی و تصدیق رسالت آن‌ها، وظیفه همه مردم، در همه اعصار است. بین ادیان مختلف، هماهنگی وجود داشته و تحریف ادیان گذشته، ارتباطی با انبیاء الهی نداشته است؛ «به خدا ایمان آوردیم و به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران، از طرف خداوند داده شده است؛ ما در میان هیچ یک از آنان فرقی نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم» (آل عمران/۸۴).

امام سجاد (علیه السلام) به آمدن پیامبران الهی در اعصار گوناگون اشاره داشته و هدف آن را هدایت انسان‌ها برمی‌شمرد «فِي كُلِّ ذَهْرٍ وَ زَمَانٍ أُرْسِلَتْ فِيهِ رُسُلًا وَ أَقُمْتُ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛ در هر روزگار و زمانی که رسولی فرستادی و برای مردم آن روزگار و زمان، چراغ راه و دلیل و برهان برپا کردی، از زمان آدم تا دوران محمد (صلی الله علیه و آله)» (صحیفه سجادیه/دعای ۴). هم‌چنین به اصل مهم اعتقادی «تصدیق تمام انبیاء گذشته»، توجه داشته و می‌فرماید: «أَمَنْتَ بِكَ وَ صَدَقْتَ رُسُلَكَ» (همان/دعای ۵۲). امام (علیه السلام) در این فراز، تصدیق پیامبران را پس از ایمان به خدا آورده و همین روش، بیانگر اهمیت موضوع است. امام (علیه السلام) ایمان به امامان و سخن نیکو پیرامون آنان را، دلیل رضایت و جلب توجه خدا می‌داند: «[خدایا] وقتی بر تمام ملائکه و انبیای خود درود فرستادی و صلوات ما را به آنان ابلاغ نمودی، به واسطه توفیق سخن گفتن نیکو درباره آنان که به ما داده‌ای، بر ما نیز صلوات بفرست» (همان/دعای ۳). حضرت در این دعا، ابتدا پیش قدم شده و با فرستادن صلوات ویژه بر انبیاء، اهمیت ایمان و احترام به آنان را، به دیگران گوشزد می‌کند (انصاریان، ۱۳۸۹: ۴۳).

امام (علیه السلام) به هدف رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اشاره می‌نماید «أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتَهُ رِسَالَتَكَ فَأَذَاهَا وَ أَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا؛ شهادت می‌دهم که محمد (صلی الله علیه و آله)، بنده و فرستاده و برگزیده‌ات، از میان آفریده‌های توست. رسالت را برعهده‌اش گذاشتی و او حق آن رسالت را ادا کرد و حضرتش را به خیرخواهی برای امتش دستور دادی و او برای امت خیرخواهی کرد» (صحیفه سجادیه/دعای ۶). بیان برتری‌های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و جایگاه والای ایشان نسبت به دیگر ائمه (علیهم السلام) بخشی دیگر در صحیفه است «اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَ تَجِييِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ صَفِيَّتِكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ مِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ» (همان/دعای ۲). امام (ع) مقام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را یادآوری کرده و بیان می‌دارد: «بارالها! من به وسیله تمسک به مقام رفیع و بلند پیامبر به درگاه تو تقرب می‌جویم و به خاطر برکت وجود ایشان، از تو می‌خواهم که مرا از شر فلان امور، در امان بداری» (همان/دعای ۴۹). حضرت با بیان مسأله شفاعت

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، جایگاه والای ایشان را بیان می‌کند: «خدایا! پیامبر ما را در روز قیامت مقرب‌ترین پیامبر به جایگاه خودت و دارای بالاترین مقام شفاعت از ناحیه تو و والا مقام‌ترین آنان نزد خودت و گرامی‌ترین آنان قرار ده» (همان/دعای ۴۲).

۴-۱-۳-۲. سنت فرستادن کتاب‌های آسمانی «انزال کتب»

دیگر از سنت‌های اجتماعی، سنت ارسال کتاب‌های الهی برای هدایت مردم بوده که در راستای سنت «هدایت عامه» است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «تمام مردم امت واحدی بودند، پس خدای متعال، انبیاء را به عنوان مُبَشِّر و منذر مبعوث کرد و همراه آنان کتاب آسمانی نازل کرد، تا به حق در بین مردم، در مورد آن‌چه مورد اختلافشان است، داوری کنند» (بقره/۲۱۳).

در مورد تعداد کتب آسمانی، قطعیتی وجود نداشته (خوئی، ۱۴۰۰: ۳۱۵/۲)، اما آن‌چه قطعیت دارد، فضیلت قرآن بر دیگر کتب آسمانی است. امام سجاد (علیه السلام) در بیان فضیلت قرآن می‌فرماید: «فرقان را برای روشن و آشکار ساختن شرایع و احکام خویش (برای ارشاد بندگان و تعلیم اهل ایمان) فرستادی و کتابی جامع برای شرح و تفصیل هر چه در (علم و عمل) احتیاج بندگانست گردانیدی و آن را به وحی خاص بر پیامبرت - که درود و رحمت بر او باد- نازل کردی» (صحیفه سجاده/دعای ۴۲). امام (علیه السلام) بعد از بیان فضیلت قرآن، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) را مبین آن دانسته و می‌فرماید: قرآن سربسته و مجمل نازل شده و بیان حقایق آن به عهده پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) است. (انصاریان، ۱۳۸۹: شرح دعای ۴۳) و «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) مُجَمَّلاً وَ الْهَمَّتُهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا» (همان).

۵-۱-۳-۲. سنت اتمام حجت

سنت «ارسال رسل» و «انزال کتب» اهداف بسیاری دارند که مهم‌ترین آن‌ها، «سنت اتمام حجت» است. حجت در لغت، به معنای دلیل و برهان (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۲۸/۳) و علت صحت مدعای یکی از دو طرف مخاصمه (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۹/۱) و احتجاج وسیله‌ای بر دیگری است (مظفر، ۱۴۳۴: ۳۷۰؛ طریحی، ۱۴۰۳: ۱۵۵). اندیش‌مندان اسلامی در معنای اصطلاحی این واژه بیان کرده‌اند: «آن‌چه به وسیله آن، مولی بر عبد خود احتجاج کرده و باعث قطع عذر او از ترک وظایف الهی می‌شود» (سبحانی، ۱۴۲۰: ۲۴۵/۲).



قرآن کریم هدف از ارسال پیامبران را «اتمام حجت» بر مردم می‌داند: «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء/۱۶۵)؛ یعنی پیامبرانی که بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجیتی برای مردم بر خدا باقی نماند. در این آیه، نکره بودن «حجه» و جنس بودن «ال» در «الناس» عمومیت حجیت خدا بر همه بشر را می‌رساند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵/۶).

ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیز به این سنت اشاره کرده‌اند. امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «شما را به تقوا و ترس از مخالفت با فرامین الهی سفارش می‌کنم که با هشدارهایش جای عذر و بهانه باقی نگذاشته و با نشان دادن راه، حجت را تمام کرده است و به آن احتجاج می‌کند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۸۶/۶؛ لیشی، ۱۳۷۶: ۵۰۷). امام سجاد (علیه‌السلام) در فراز ۲۳ دعای اول صحیفه، به اتمام حجت خداوند بر بندگان اشاره می‌کند: «لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ لَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا، وَ لَمْ يُجَسِّمْنَا إِلَّا يَسْرًا وَ لَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَ لَا عُذْرًا. فَأَلْهَلِكُ مِنَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ وَ السَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ؛ یعنی خداوند چیزی خارج از توان ما برعهده ما نگذاشته، و جزء در خور امکان ما از ما تکلیف نخواست و ما را به کار آسان واداشته و بهانه را بر ما بسته و حجت را تمام کرده است» (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۵). در این فراز، لفظ «ان» برای تأکید آمده و لفظ «أَحَدٌ» عمومیت را می‌رساند و نکره و سیاق منفی آن، مفید تأکید است. تنکیر بودن و منفی بودن «حجت» نیز، حاکی از «اتمام حجیت» خداوند است (کبیرمدنی، ۱۴۰۹: ۲۸).

امام سجاد (علیه‌السلام) ضمن اشاره به اتمام حجت الهی برای بندگان، به برخی مصادیق و نمودهای آن نیز اشاره می‌کند: «فَقَدْ ظَاهَرَتِ الْحُجَجُ وَ أَبْلَيْتِ الْأَعْدَارَ وَ قَدْ تَقَدَّمْتُ بِالْوَعْدِ وَ تَلَطَّفْتُ فِي التَّرْغِيبِ وَ صَرَبْتُ الْأَمْثَالَ وَ أَطَلَّتِ الْإِمْهَالُ وَ أَحْزَرْتُ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمُعَاجَلَةِ وَ تَأْتَيْتِ وَ أَنْتَ مَلِيٌّ بِالْمُبَادَرَةِ؛ همانا حجت‌هایت را برای بیداری مردم، پی‌درپی آوردی و دلیل و عذرت را به سوی آنان فرستادی و تهدیدت را یادآور شدی و در ترغیب بندگان به ایمان و عمل، لطف و مدارا را به کار گرفتی و برای بیداری آنان، مثل‌ها زدی و مهلت به مردم را طولانی کردی. کیفر را به تأخیر انداختی، در حالی که بر شتاب به عذاب توانا بودی و فرصت دادی، در صورتی که بر عجله قدرت داشتی» (صحیفه سجادیه/دعای ۴۶). در صحیفه تأکید می‌شود که هلاکت و بدبختی گمراهان بعد از تبیین مسیر حقیقت، مهلت‌دهی، بازنگذاشتن مسیر توبه و تهدید به عذاب بوده (همان/دعای ۴۵) و همه این‌ها، مصادیقی از اتمام حجت است «بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ؛ پی‌درپی بر آنان اتمام حجت کردی» (همان).

حضرت در دعای ۴۶ صحیفه به صورت مفصل به تبیین «سنت اتمام حجت» می‌پردازد و در پنج فراز می‌فرماید: «همه سر به فرمان حکم حضرت خواهند بود و بازگشت کارشان به سوی فرمان توسست، پادشاهی‌ات با مهلت طولانی که به آنها می‌دهی، سستی نمی‌پذیرد و با تأخیر از محاکمه، برهان و حجیت از بین نمی‌رود، سلطنت برپا و زوال ناپذیر است، پس وای بر آن که از تو روی می‌تابد و نومیدی ذلت بار، از آن کسی است که از تو نومید می‌گردد، بدترین تیره‌بختی‌ها برای کسی است که به تو مغرور می‌شود؛ چرا که پی در پی اتمام حجت کردی و حجت‌ها را روشن نمودی و آنچه سزاوار ارشاد و انذار بود، بیان نمودی و با لطف و محبت بندگان را ترغیب به حقایق نمودی و برای بیداری آنان مثل‌ها آوردی و مهلت دادی و کیفر را به تأخیر انداختی، تأخیرکردی در صورتی که توانایی بر شتاب در عذاب داشتی و مدارا کردی در حالی که قدرت بر عجله داشتی؛ پس مدارایت از باب ناتوانی و سستی یا غفلت نبود بلکه به خاطر رستار بودن حجت، کامل بودن بزرگواریت، فراگیر بودن احسانت و تمام بودن نعمت بود» (همان/دعای ۴۶، فرازهای ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳).

حضرت زین العابدین (علیه السلام) به دو حجت درونی و بیرونی اشاره می‌کند. به عنوان نمونه، ایشان در فراز ۵ دعای ۲۸ اشاره به حجت باطنی کرده و علت گمراهی بنده را، گمراهی از مسیر عقل می‌داند: «این گونه می‌پندارم که طلب کردن محتاج از مخلوق دیگری که خودش محتاج است، سفاهت در عقیده و گمراهی از حکم عقلش است» و بیان می‌دارد که امام یا حجت بیرونی، پناه پناهندگان و ملجأ اهل ایمان می‌باشد (صحیفه سجادیه/دعای ۴۷، فراز ۶۰).

۶-۱-۳-۲. سنت بازتاب اعمال

رفتارها و گفتارهای آدمی، آثار و پیامدهای دنیوی و اخروی متناسب با خود را در پی دارند. برخی از آن‌ها، فقط متوجه عمل‌کننده شده و تأثیر بعضی از کارها، گستردگی بیشتری داشته و علاوه بر عمل‌کننده، به اطرافیان و اقوام او نیز می‌رسد. چنان‌که پیامد بعضی از آن‌ها، اجتماع را فرا می‌گیرد. امام سجاد (علیه السلام) در فراز ۱۲ از دعای نخست صحیفه سجادیه، روشنایی برزخ را بازتاب اعمال انسان دانسته و می‌فرماید: «حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ وَ يُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ وَ يُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، (يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ)، (يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ؛ ستایشی که به سبب آن، تاریکی‌های برزخ را بر ما روشن کند و به وسیله آن، راه رستخیز را بر ما آسان فرماید و به کمک آن، رتبه‌های ما را نزد گواهان روز قیامت بلند گرداند. (روزی که هر



وجودی، به خاطر آنچه مرتکب شده، پاداش داده شود و مورد ستم قرار نگیرد؛ (روزی که هیچ دوستی، چیزی از عذاب را از دوستش برطرف نکند و این گنه‌کاران حرفه‌ای از جانب کسی یاری نشوند» (انصاریان، ۱۳۸۹: ۱). قرآن کریم از سنت‌های الهی که در جهان خلقت اتفاق می‌افتد، خبر داده است: «مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ : آنچه اصابت می‌کند شما را مصیبتی پس به واسطه اعمال زشت شما است که هر عملی اثری دارد و با این‌که خداوند از بسیار از آنها عفو می‌فرماید» (شوری/۳۰). «مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ» مصائب وارده بر انسان، منشاءهای مختلفی دارد که از آن جمله: «فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» است و مکرر گفته شده که معاصی آثار وخیمه بسیار دارد، مثل سیاهی قلب، قساوت، غفلت، تسلط شیطان و سلب توفیق و ضعف ایمان و بسا زوال ایمان و طغیان و سرکشی و من جمله، نزول بلیات و مصائب که تمام این‌ها در اثر معاصی و نافرمانی است. «وَيَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» که بسا می‌شود، به توبه یا به عمل صالحی یا دعاء مؤمنین یا توسل به ائمه هدی و شفاعت آنها یا اسباب دیگری خداوند عفو می‌فرماید (طیب، ۱۳۷۸: ۱۱/۴۹۰).

دومین دسته از اعمال، اعمالی است که بازتاب آن به اقوام و بستگان می‌رسد؛ مانند آیه: «أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ : اما آن دیوار، از آن دو طفل یتیمی در آن شهر بود که پدری صالح داشتند و زیر آن گنجی برای آن دو نهفته بود، خدایت خواست تا به لطف خود آن اطفال به حد رشد رسند و خودشان گنج را استخراج کنند و من این کارها نه از پیش خود (بلکه به امر خدا) کردم» (کهف/۸۲). ابن عباس گوید: در این جا خداوند می‌فرماید: علت حفظ گنج، شایستگی پدر آن دو طفل بود، اما از شایستگی بچه‌ها چیزی گفته نشده است. از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است که میان این دو طفل و آن پدر صالح، هفت واسطه بود. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله) فرمود: خداوند به شایستگی مرد مؤمن، فرزند و فرزند زاده و اهل خانه خودش و خانه‌های اطرافش را اصلاح می‌کند و به خاطر گرامی بودن در پیشگاه خداوند، همه آنها در حفظ خدا خواهند بود (طریحی، ۱۴۰۳: ۶/۱۲۷).

دسته دیگر، اعمالی است که پیامدهای آن اجتماع را فرا می‌گیرد که به عنوان نمونه: «وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ : بترسید از بلایی که چون آید تنها مخصوص ستمکاران شما نباشد (بلکه ظالمان و مظلومان همه را فرا گیرد) و بدانید که عقاب خدا بسیار سخت است» (انفال/۲۵). اگر فتنه درگیرد، خشک و تر را خواهد سوزاند، فقط دامن گیر بدکاران و اشتباه کاران نخواهد بود. لازم است، مسلمانان یاد بیاورند که کم و بیچاره بودند، خدا پیشرفتشان داد، به خدا و

رسول خیانت نکنند که به خود خیانت می کنند، مال و اولاد را در فرمانبری خدا بهانه نیاورند که پاداش خدایی از دستشان خارج می شود و اگر تقوی پیشه کنند، خدا درکی به آنها خواهد داد که حق را از باطل باز شناسند (قرشی، ۱۳۹۶: ۴/۱۱۶).

روشن است که سنت بازتاب اعمال بر این باور استوار است که اعمال انسان تأثیر مستقیم بر زندگی دنیایی و آخرتی او دارد. چنان که امام (علیه السلام) آسان شدن کارها را به برکت تقوا دانسته و رسوایی را به دلیل کارهای زشت «اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مُؤْتِنًا وَ اَمْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفًا وَ لَا تُحْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ اَعْمَالِنَا ؛ خدایا! سختی و دشواری ما را به برکت تقوا و اعمال شایسته، بر کرام کاتبین که فرشتگان نویسنده اعمال اند، آسان ساز و صفحات پرونده ما را از خوبی ها انباشته و تکمیل کن و ما را نزد فرشتگان نویسنده اعمال، به کردارهای زشتمان رسوا مساز» (صحیفه سجادیه/دعای ۶). به همین موضوع، با بیان دیگری اشاره شده است «فَقَدْ اَقَامْتَنِي يَا رَبِّ دُنُوْبِي مَقَامَ الْجَزْيِ بِفَنَائِكَ ؛ ای پروردگارم! محققاً گناهانم مرا در آستان در مقام خواری و رسوایی برپا داشته» (همان/دعای ۳۲). چنان که عقوبت الهی نتیجه مستقیم رفتارهای آدمی است «خَلَصْنِي مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ عَذْلُكَ ؛ از کیفری که عدالت به آن حکم می کند نجاتم ده» (همان/دعای ۳۹). امام (علیه السلام) ضمن به کاربردن تضمین آیه در سخن خود، رابطه مستقیم رفتار و نتایج را گوشزد می نماید «يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي اَوْقَاتِ طَاعَتِهِ وَ مَنَازِلِ قُرْوَصِهِ وَ مَوَاقِعِ اَحْكَامِهِ (لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اَسَاؤُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى /نجم ۳۱) ؛ می نگرد که در اوقات طاعتش و جایگاه های واجباتش و موارد احکامش چگونه اند؛ تا کسانی را که بد کردند، به خاطر کار زشتشان، کیفر دهد؛ و آنان را که خوبی کردند، با بهشت پاداش بخشد (همان/دعای ۶). همین آیه و شکل بیان، در دعای اول نیز آمده است. ستایش الهی بخشی از دعای اول صحیفه است. امام (علیه السلام) نتایجی برای چنین ستایشی برمی شمرد که نشان دهنده رابطه مستقیم نتایج و رفتار است. چنین ستایشی سبب روشنی دیده و نواریت صورت انسان در قیامت شده و آدمی را از آتش دردناک رهانیده و در جوار کریمانه الهی جای می دهد «حَمْدًا نَعْتَقُ بِهِ مِنْ اَلِيْمٍ نَارِ اللّٰهِ اِلَى كَرِيْمٍ جِوَارِ اللّٰهِ» (همان/دعای ۱). چنان که انسان را همدوش فرشتگان و همنشین پیامبران قرار می دهد «حَمْدًا نُرَاجِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ وَ نَضَامُ بِهِ اَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ (همان). این دعا نشان می دهد که کیفیت و انگیزه اعمال ما می تواند بازتابی در زندگی مان به وجود آورده و به آن ارزش و معنا ببخشد.



۲-۳-۲. سنت‌های مقید و مشروط اجتماعی

بخش دیگری از سنت‌های الهی اجتماعی، سنت‌های مقید و مشروط هستند. در این زمینه باید بیان داشت که پس از ابلاغ دعوت خداوند توسط پیامبران، عده‌ای با اختیار خود، راه حق و خیر و یا باطل و شر را انتخاب می‌کنند. این موضع‌گیری‌ها، سبب روی نمودن سنت‌های دیگری می‌شود. از آنجایی که پیدایش این سنت‌ها، معلول رفتار مردم می‌باشد، آنان را سنت‌های مقید و مشروط می‌خوانند، مانند: استیصال^۱؛ آمهال^۲؛ استدراج و املاء^۳.

۱-۲-۳-۲. سنت استیصال

استیصال مصدر باب استفعال، به معنای برکندن از اصل و ریشه (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵۲/۳) و هلاک کردن (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۱/۱۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۶/۴) است. زمانی که گفته می‌شود «إِسْأَصَلَ اللَّهُ قُلَانًا»، به معنای این است که خداوند برای فلانی اصل و ریشه‌ای را باقی نگذاشته است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۵۶/۷). سنت استیصال در اصطلاح، به مجازات‌هایی گفته می‌شود که خداوند به سبب آن، قوم سرکشی که صلاحیت اصلاح نداشته باشد را از بین می‌برد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۶۱/۱۰). واژه استیصال به صورت صریح در قرآن به کار نرفته، اما کلماتی مانند «هلاک» (نجم/۵۰)، «تدمیر» (اسراء/۱۶؛ محمد/۱۰)، «رجز» (بقره/۵۹؛ عنکبوت/۳۴)، «اخذ» (حجر/۷۳؛ هود/۹۴)، «حقی» (انعام/۱۰؛ انبیاء/۴۱) و «قصم» (انبیاء/۱۱) که همگی به معنای هلاکت، ریشه‌کن شدن و درهم شکستن است، تداعی‌کننده مفهوم استیصال می‌باشند. در واقع، سنت استیصال از جمله سنت‌های اجتماعی خداوند بوده که برای جامعه فاسدی که مهلت‌های داده شده را از بین برده و در فسق و فجور و انکار و کفر فرو روند، اجرا می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۴/۲۱). در آیاتی از قرآن کریم آمده است: «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ تُمَكِّنْ لَكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ؛ آیا ندیدند پیش از ایشان، چه بسیار گروهی را هلاک نمودیم و حال آنکه در زمین به آنها قدرت و تمکینی داده بودیم که شما را نداده‌ایم؟ و از آسمان بر آنها باران (رحمت ظاهر و رحمت باطن که کتاب آسمانی است) پیوسته فرستادیم و نهرها در زمین جاری ساختیم، پس چون نافرمانی کردند آن‌ها را هلاک نمودیم و گروهی دیگر بعد از آنها پدید آوردیم» (انعام/۶۱). در این آیه اشاره به ریشه‌کنی و نابودی اقوام و جوامع ستم‌کار و گنه‌کاری شده است که پس از اتمام حجت، گرفتار عذاب استیصال گشته‌اند. سنت استیصال از سنن

قطعی الهی است و نقطه‌ی مقابل آن، سنت پیروزی اهل حق است (مصباح، ۱۳۷۲: ۴۶۷). امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام) بعد از رسیدن به خلافت، خطاب به امیران لشکر خود در مورد استیصال اهل باطل این گونه نوشتند: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ، وَ أَخَذَرَهُم بِالْبَاطِلِ فَأَقْتَدَوْهُ». آنان که پیش از شما بودند تباه گردیدند چون حق مردم را ندادند تا آن را به رشوه خریدند و راه باطلشان بردند و آنان پیرو آن گردیدند» (نهج البلاغه/نامه ۷۹). امام سجاد (علیه السلام) درباره‌ی سنت استیصال کافران آورده‌اند: «اللَّهُمَّ لَا تَقْتِنِي بِالْقُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ وَ لَا تَقْتِنُهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيَصِرَ عَلَى ظُلْمِي وَ يَحَاضِرْنِي بِحَقِّي وَ عَرَفُهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَ عَرَفْنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُصْطَرِّينَ؛ بارخدایا مرا به ناامیدی از عدل خود آزمایش مکن، و دشمن را به ایمنی از کيفرت امتحان منماید، تا بر ستم بر من اصرار ورزد و بر حَقِّم مستولی شود، و به همین زودی او را به آنچه ستمکاران را بدان تهدید نموده‌ای آشنا کن و مرا به اجابتی که به بیچارگان وعده داده‌ای آگاهی ده» (صحیفه سجادیه/دعای ۱۴).

توانایی انسان در برابر قدرت لایزال الهی، چنان ناچیز است که هیچ گریزگاهی برای فرار از عقوبت الهی برای او متصور نیست. زیرا آدمی تاب تحمل عدل الهی را ندارد «فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَذْلِكَ» (همان/دعای ۱۰). چنان که اگر بخشش و لطف الهی همراه نگردد، انسان نجات نخواهد یافت «لَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ» (همان). اما نجات بخشی الهی در پرتو لطف و احسانش، برای مومنین، توابین و گناه، جاهلین قاصر است؛ اما ستمکاران آگاه و ظالمین تاریخ به استیصال کشیده خواهند شد «يَا مَنْ بَعْدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ؛ ای آن که مددکاری اش از ستمگران دور است (همان/دعای ۱۴).

۲-۲-۳. سنت امهال

امهال مصدر باب افعال، به معنای سکون و مدارا است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۷۸۰). سنت امهال از دیگر سنت‌هایی است که خداوند در مورد کافران به کار برده و به این معناست که خداوند در مجازات کافران و منکران خدا و پیامبران، عجله نکرده و به آن‌ها مهلت می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۱/۱۹۰). از جمله دلایل مهلت دادن به کافران، با توجه به آیات قرآن، ازدیاد گناه آنان و افزایش عذاب الهی نسبت به آن‌ها (آل عمران/ ۱۷۸) و یا فرصت بازگشتن و توبه کردن است (فاطر/ ۴۵). امیرمؤمنان (علیه السلام) در فرازی از نهج البلاغه در مورد این سنت الهی آورده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَقْصِمِ جَبَّارِي ذَهْرٍ قَطُّ إِلَّا بَعْدَ تَمْهِيلٍ وَ رَخَاءٍ وَ لَمْ يَجْبِرْ عَظْمَ أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ إِلَّا بَعْدَ أَرْلٍ وَ بَلَاءٍ؛ خداوند، ستمکاران روزگار را شکست نداده مگر آنکه ابتدا آنان را مدتی مهلت داده و در آزمایش به روی آنان باز کرده، و شکست هیچ مردمی را نبسته جز از



پس آن که (گرد) سختی و بلا بر سرشان نشسته است» (نهج البلاغه/خطبه ۸۸). امام سجاد (علیه السلام) در دعای چهل و هفتم از صحیفه سجادیه در مورد سنت امهال این گونه می‌فرماید: «لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرُكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي؛ مرا با مهلت دادنت به بالای استدراج مبتلا مگردان، مانند غافلگیر کردن کسی که خیر و نیکی‌اش را از من بگیرد؛ و برای تو در رسیدن نعمتش به من، حسابی باز نکرده است» (صحیفه سجادیه/دعای ۴۷). در نیز فرموده‌اند: «نَجِّنِي مِنَ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ وَ خَلِّصْنِي مِنَ لَهَوَاتِ الْبُلُوَى وَ أَجْزِنِي مِنَ اخْذِ الْإِمْلَاءِ وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عُدُوِّ يَضِلُّنِي وَ هَوَى يُوْغِيْنِي وَ مَنَقَصَةِ تَرْهَقْنِي وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي إِغْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ؛ از گرداب‌های فتنه رهایی‌ام ده، و از گلوگاه بلاها نجاتم بخش، و از اینکه مرا به عذاب امهال اخذ کنی امان بده و بین من و دشمنی که به ضلالتم افکند و هوسی که نابودم کند و عیبی که از پایم اندازد، فاصله شو و از من روی مگردان، آن گونه که رویگردان می‌شوی از کسی که بعد از غضب بر او دیگر از وی خشنود نمی‌شوی» (همان).

امام سجاد (علیه السلام) در جای جای صحیفه هدایت عام و خاص الهی و لطف بیکران او را یادآوری می‌نماید و درکنار همه این‌ها بیان می‌دارد که «با این همه، به کیفرش نسبت به ما شتاب نورزید و بر انتقام گرفتن از ما عجله نکرد» (همان/دعای ۱). چنان‌که در کیفر کسی که از فرمان الهی روی گرازانده و گناهی مرتکب شده شتاب نکرده است «فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَ الْمُؤَافِقُ نَهْيَكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِتَقْمِنتِكَ» (همان/دعای ۳۷).

با این نگاه، گاهی سنت امهال در راستای بازگذاشتن مسیر بازگشت برای بندگان بوده و گاهی، برای افزوده شدن بار گناهان ستمکاران مسرف «تَلَقَّيْتُ مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ وَ أَمَهَلْتُ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ؛ با کسی که با تو به مخالفت برخاسته، با بردباری رویه‌رو شدی و کسی را که بر ستم به خود همت گماشت، مهلت دادی» (همان/دعای ۴۵). اما نباید فراموش کرد که سنت‌های استیصال و امهال و استدراج و مانند آنان، بعد از اتمام حجت و ارسال رُسل و انزال کتب بوده است «هَمَانَا حِجَّتْ هَايْتَ رَا بَرَايَ بِيْدَارِي مَرْدَم، پی‌درپی آوردی و دلیل و عذرت را به سوی آنان فرستادی و تهدیدت را یادآور شدی و در ترغیب بندگان به ایمان و عمل، لطف و مدارا را به کار گرفتی و برای بیداری آنان، مثل‌ها زدی» (همان/دعای ۴۶). پس از این مراحل، سنت امهال است که جلوه‌گری می‌کند «أَطَلْتُ الْإِمَهَالَ وَ أَخْزْتُ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمُعَاجَلَةِ وَ تَأْتَيْتَ وَ أَنْتَ مَلِيٌّ بِالْمُبَادَرَةِ؛ مهلت به مردم را طولانی کردی. کیفر را به تأخیر انداختی، در حالی که بر شتاب به عذاب توانا بودی و فرصت دادی، در صورتی که بر عجله قدرت داشتی» (همان).

۳-۲-۲. سنت استدراج و املاء

امام زین العابدین (علیه السلام) در ادعیه صحیفه، به لفظ و مفهوم به دو سنت اشاره کرده‌اند. این دو سنت با یکدیگر تلازم داشته و در بسیاری از آیات و روایات در کنار هم ذکر شده‌اند. امام سجاد (علیه السلام) این دو را در کنار هم بیان فرموده‌اند، در فراز ۹۰ و ۹۱ دعای ۴۷ بیان داشته‌اند: «لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِأَمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرُكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي وَ تَبْهِنِي مِنْ رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ وَ سِنَةِ الْمُسْرِفِينَ، وَ نَعْسَةِ الْمُخْذُولِينَ» (همان/دعای ۴۷) به وسیله املاء خود مرا اسیر استدراج مگردان؛ هم چون غافلگیر ساختن کسی که خیرش را از من بازگیرد و تو را در رسیدن نعمتهایش به من شریک نداند و مرا از خواب غافلین و خواب آلودگی مسرفین و چرت به خود واگذاشتگان بیدار کن.

آدمی ممکن است که با سوء استفاده از «تاخیر عقوبت الهی»، به مجرای سنت املاء وارد شده و دیگر مشمول رحمت الهی نشود. امام (علیه السلام) در فراز ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ دعای روز عرفه، ضمن تصریح به سنت املاء، به این مهم هم اشاره فرمودند: «نَجِّنِي مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ وَ خَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلُوَى وَ أَجْزِنِي مِنْ أَخْذِ الْأَمْلَاءِ وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوِّ يَضِلُّنِي وَ هَوَى يُوْبِقُنِي وَ مَنَقَصَةٍ تَزْهُقُنِي وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ،؛ از گرداب‌های فتنه‌رهای آمده و از گلوگاه بلاها نجاتم بخش و مرا از اینکه به عذاب املاء اخذ کنی امان بده، و بین من و دشمنی که به ضلالتم افکند و هوسی که نابودم کند و عیبی که از پایم اندازد فاصله شو و از من روی مگردان، آن گونه که رویگردان می‌شوی از کسی که بعد از غضب بر او دیگر از وی خشنود نمی‌شوی» (صحیفه سجاده/دعای ۴۷). چنان‌که اشاره شد، سنت استدراج و املاء در صحیفه سجاده به معنای به تأخیر انداختن عذاب و واگذاری انسان به حالت غفلت در نتیجه اعمال ناپسند اوست. در این سنت، خداوند به بعضی از بندگان فرصت می‌دهد. پیداست اگر خداوند، آدمی را به حال خود رها کرده و نفس او را به سوی هدایت سوق ندهد، مسیر باطل پیموده خواهد شد «لَا تُحَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَ اخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَقَفَتْ؛ در این امور ما را میان نفوسمان و انتخابشان رها مکن؛ که نفس انتخاب‌کننده باطل است، مگر آن که تو در انتخاب حق توفیقش دهی» (همان/دعای ۹). در صورتی که انسان به سنت استدراج مبتلا گردد، نفس روی به زشتی‌ها نهاده و تا وادی حیرت و گمراهی به پیش می‌رود «أَمَّا زَةُ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَجِمَتْ؛ [نفس] بسیار دستوردهنده به زشتی و بدی است، مگر آن که رحمتش آری» (همان).



نتیجه‌گیری

سنت به روش‌هایی گفته می‌شود که خدای متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند. سنت‌های الهی دارای چهار شاخصه هستند: «عمومیت - حتمیت - هماهنگی با قانون علیت - تغییر و تحول ناپذیری». از نگاه امام سجاد (علیه السلام) «امر و نهی الهی - واجبات و محرمات - همراهی و پیروی از رهبران الهی - احسان و نعمت - نوع رابطه با دیگران» زمینه‌های «سنت ابتلاء و آزمایش» الهی بوده که نوع کنش در برابر آنان، به سعادت یا شقاوت فرد و جامعه منتهی می‌شود. صحیفه سجادیه بیان می‌دارد که «سنت هدایت» از سنت‌های عام الهی بوده و شامل همه انسان‌ها می‌گردد. بدین معنا که «شناخت و راه‌یابی به سوی الله و پیمایش مسیر خشنودی او» با مدد الهی میسر بوده و اوست که زمینه «شکرگذاری» و «توبه» را به انسان عنایت می‌فرماید. برای هدایت همه امت‌ها و قبائل در همه اعصار، «سنت فرستادن پیامبران - ارسال رُسُل» به عنوان بشارت دهنده و اذار کننده ضرورت می‌یابد. دعا‌های مورد کاوش، ضمن تاکید بر سنت هدایت عامه، یکی از بنیادی‌ترین الزامات آن را «سنت ارسال کتاب‌های الهی - انزال کُتب» بیان می‌دارند. امام سجاد (علیه السلام) «سنت اتمام حجت» را از اهداف متعالی «ارسال رُسُل» و «انزال کتب» دانسته و تاکید می‌کند که مهلت‌دهی به انسان‌ها و بازگذاشتن مسیر توبه، در راستای اتمام حجت قابل تحلیل است. امام (علیه السلام) ضمن تبیین برخی نتایج رفتارهای خوب و بد آدمی؛ بیان می‌دارد که رفتارها و گفتارها، آثار و پیامدهای دنیوی و اخروی متناسب با خود را در پی خواهند داشت. بر این پایه، اعمال انسان تأثیر مستقیم بر زندگی دنیایی و آخرتی او داشته که اثباتی بر «سنت بازتاب اعمال» است.

صحیفه سجادیه بیان می‌دارد که بر پایه «سنت استیصال»، قوم سرکشی که صلاحیت اصلاح نداشته، مورد مجازات قرار گرفته و از بین می‌روند. این موضوع شامل ستمکاران آگاه و ظالمین تاریخ می‌گردد. نقطه‌ی مقابل این موضوع، سنت پیروزی اهل حق است. «سنت امهال» در دعا‌های امام زین العابدین (علیه السلام) تبلور داشته و بدین معناست که خداوند در مجازات کافران و منکران عجله نکرده و به آن‌ها مهلت می‌دهد. بدین روی، «ازدیاد گناه کافران و مسرفان و افزایش عذاب الهی و یا فرصت بازگشتن و توبه کردن»، از جمله دلایل مهلت دادن محسوب می‌گردد. بخش‌هایی از صحیفه سجادیه نشان داد که آدمی به دلیل رفتارهای ناپسند خود و بر پایه «سنت استدراج و املاء» دچار تأخیر عذاب و واگذاری انسان به حالت غفلت می‌گردد. در واقع، انسان‌ها با سوء استفاده از تأخیر عقوبت الهی، به مجرای سنت املاء وارد شده و دیگر مشمول رحمت الهی نمی‌شوند. فهم این نکته ضروری است

که سنت‌های استیصال و امهال و استدراج و مانند آنان، بعد از اتمام حجّت، ارسال رُسل و انزال کتب خواهد بود.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۹۳ش). **ترجمه صحیفه سجّادیه**، چاپ سوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ش). **التوحید**، قم، جامعه مدرسین.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله. (۱۴۰۴ق). **شرح نهج‌البلاغه**، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ق). **لسان‌العرب**، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- امامی، محمدجعفر؛ آشتیانی، محمدرضا. (۱۳۷۳ش). **ترجمه و شرح صحیفه سجّادیه**، قم: اسوه.
- انصاریان، حسین، (۱۳۸۹ش). **شرح و ترجمه صحیفه سجّادیه**، قم، دارالعرفان.
- الجواهری، ابن حماد اسماعیل. (۱۴۰۷ق). **صاح‌الله**، چاپ چهارم، بیروت، دارالعلم للملین.
- ترخان، قاسم. (۱۴۰۳). **سنت‌های الهی اجتماعی و پیشرفت**، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷ش). **لغت‌نامه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دارالعلم، الدارالشامیه.
- سبحانی تبریزی، شیخ جعفر. (۱۴۲۰ق). **الموجز فی اصول الفقه بیحیث عن الادله اللفظیه و العقلیه**، چاپ دوم، قم، موسسه الامام الصادق (علیه‌السلام).
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم)**، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش). **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه: محمدباقر موسوی، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ سوم تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۴۰۳ق). **مجمع البحرین**، بیروت، موسسه الوفاء.
- طیب، عبدالحسن. (۱۳۷۸ش). **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
- عسکری، ابوهلال. (۱۴۲۶ق). **الفروق اللغویه**، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. (۱۴۰۹ق). **کتاب‌العین**، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- فیض‌کاشانی، محمدبن‌شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). **الصادق**، چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدر.
- قهپایی، بدیع‌الزمان هرندی. (۱۳۷۴ش). **شرح صحیفه سجّادیه**، به کوشش: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- قرشی، علی‌اکبر. (۱۳۹۶ش). **تفسیر احسن‌الحديث**، قم، بوستان کتاب.



- ## – مقالات

- باغبانان، زهرا و احمدی فراز، مهدی. (۱۳۹۸). **واکاوی واژه رضا در صحیفه سجادیه**. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۵ (۳۳)، ۴۰-۱۱. doi: ۱۰.۲۲۰۸۱/jare.۱۳۹۹/۵۴۵۵۸/۲۰۱۹
- ترخان، قاسم. (۱۳۹۷). **تأملی در قوانین فرامادی پیشرفت بر اساس سنت های اجتماعی الهی**. حکمت اسلامی، ۵ (شماره ۱-پیاپی ۱۶ «بهار ۹۷»)، ۱۲۵-۱۵۲.
- عجمی، هادی. (۱۴۰۰). **آثار تربیتی گرفتاری های زندگی از نگاه امام سجاد (علیه السلام)**. با تأکید بر دعا های صحیفه، ره توشه تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۳۲ (رمضان) (۹ صفحه - از ۹۳ تا ۱۰۱)

